

بازنمایی عمده فرآیندهای آوایی گویش ماهشهری

نسترن توکلی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس

09179993520

tavakoli.nastaran@gmail.com

آزاده عبادی
مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر

Mba_ebady@yahoo.com

09169228205

چکیده

بندر ماهشهر با مساحتی در حدود ۲۷۱۳ هکتار و با ارتفاع سه متر از سطح دریا، در استان خوزستان واقع و پس از اهواز وسیع ترین شهر استان می باشد. این شهر از شمال به اهواز، از غرب به آبادان و خرمشهر، از شرق به هندیجان و بهبهان و از جنوب به خلیج فارس محدود است. ماهشهر از موقعیت استراتژیک و اقتصادی مهمی برخوردار بوده و مشتمل بر دو بخش می باشد: بندر ماهشهر قدیم و ناحیه ی صنعتی.

اکثر قریب به اتفاق مردم این شهر به گویش ماهشهری که به گویش بندری نیز معروف است تکلم می کنند که از لحاظ رده شناختی یکی از گویش های ایرانی نوی غربی است و به دلیل اشتراکاتی که با گونه های مختلف لری دارد در زمره ی آنها قرار می گیرد.

داده های مورد نیاز جستار حاضر که ماهیتی توصیفی دارد و به بازنمایی عمده فرآیندهای آوایی گویش ماهشهری اختصاص یافته است عمدتاً به طریق میدانی گردآوری گردیده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که عمده فرآیند ابدال بالاترین و حذف پایانی پایین ترین بسامد را در میان دیگر فرآیندهای آوایی مشاهده شده در این گویش داراست.

کلید واژه ها :

گویش، گویش ماهشهری، گویش لری، عمده فرآیندهای آوایی، ابدال، حذف

شهرستان بندر ماهشهر یکی از بنادر قدیم کرانه ی خلیج فارس می باشد که با مساحتی در حدود ۲۷۱۳ هکتار و با ارتفاع سه متر از سطح دریا، در استان خوزستان واقع شده و پس از اهواز وسیع ترین شهر استان می باشد. این شهر که از شمال به اهواز، از غرب به آبادان و خرمشهر، از شرق به هندیجان و بهبهان و از جنوب به خلیج فارس محدود است دارای سه بخش به نام های ماهشهر، بندر امام و چمران با یک دهستان به نام جراحی و ۶۵ روستا می باشد. طبق آخرین سرشماری سال ۱۳۸۷، جمعیت ماهشهر ۲۶۳۱۳۰ نفر برآورد شده است. ماهشهر از موقعیت استراتژیک و اقتصادی مهمی برخوردار بوده و مشتمل بر دو بخش بندر ماهشهر قدیم و ناحیه ی صنعتی می باشد. اکثر قریب به اتفاق مردم این شهر به گویش ماهشهری که به گویش بندری نیز معروف است تکلم می کنند. این گویش که به لحاظ رده شناختی یکی از گویش های ایرانی نوی غربی است، با گویش های هندیجانی، بختیاری و حتی گویش های بندر دیلم و بندر گناوه قرابت داشته و به دلیل وجوه اشتراک فراوانی که با گونه های مختلف گویش لری دارد در زمره ی آنها قرار می گیرد. در این پژوهش که هدف آن بازنمودن عمده فرآیندهای آوایی گویش ماهشهری می باشد، پس از ارائه ی تعریفی مختصر از مفهوم گویش و مروری اجمالی بر مطالعات پیشین، دستگاه آوایی گویش ماهشهری معرفی می گردد و سپس به بررسی فرآیندهای آوایی عمده این گویش در قیاس با فارسی معیار پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که داده های زبانی مورد استفاده در این پژوهش که ماهیتی توصیفی- تطبیقی دارد، عمدتاً از روش میدانی یعنی ضبط و ثبت گفتار گویشوران بومی کم سواد و بی سواد منطقه و مصاحبه با ایشان جمع آوری گردیده است؛ علاوه بر آن از شمّ زبانی یکی از نگارندگان که خود گویشور گویش ماهشهری می باشد در تجزیه و تحلیل بهتر و دقیق تر داده ها بهره برده شده است.

۲- گویش (dialect)

کریستال (۱۰۱: ۱۹۹۲) گویش را این گونه تعریف می کند: «یک گونه ی زبانی است که دستور و واژگان آن مشخص کننده ی هویت اجتماعی و جغرافیایی یک گویشور است.» چمبرز و تراگیل (۵: ۱۹۹۴) نیز اصطلاح گویش را برای تفاوت های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه های زبانی و اصطلاح لهجه را در مورد تفاوت تلفظی آنها به کار می برند. تعریف فرامکین و رادمن (۲۵۳: ۱۹۹۸) از گویش،

هم دربرگیرنده ی تفاوت ساختاری- واژگانی و هم معیار فهم پذیری است: «گوش های یک زبان واحد را می توان آشکالی از یک زبان دانست که به طور متقابل قابل فهم بوده و در عین حال با یکدیگر تفاوت های نظام مند دارند.»

با آن که غالب زبان شناسان در تعریف گوش به تفاوت های واژگانی و دستوری اشاره می کنند اما به واقع مشخص نشده است که این تفاوت ها تا چه اندازه باید باشد و چگونه باید گوش را از زبان متمایز ساخت.

برای تشخیص زبان از گوش، معیارهای متعددی وجود دارند که به دو دسته ی زبانی و غیرزبانی (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ...) تقسیم می شوند. اما چنان که مدرسی (۱۳۶۸: ۱۳۳) بیان می کند معیارهای غیرزبانی همیشه با معیارهای زبان شناختی همخوانی ندارند و در برخی موارد با یکدیگر در تضاد قرار می گیرند. از جمله مهم ترین معیارهای غیرزبانی برای تشخیص زبان از گوش، مرزهای سیاسی کشورها، نگرش افراد نسبت به زبان ها و ارزش و اعتبار اجتماعی زبان هاست. از عمده ترین معیارهای زبانی نیز می توان به دارا بودن صورت نوشتاری، برخورداری از وسعت واژگانی و قابلیت فهم متقابل اشاره کرد. همان طوری که جهانگیری (۱۳۷۸: ۴۲) می گوید معیارهای اجتماعی و سیاسی به دلیل متغیر بودن و نسبی بودنشان غیرمعتبر و فاقد ارزش زبان شناختی هستند و وجود صورت نوشتاری، یعنی خط، نیز ویژگی ذاتی زبان یا همگانی زبان به حساب نمی آید و علاوه بر آن مسئله ی وسعت و تنوع واژگانی نیز یک مسئله ی نسبی است. از این رو، معیار فهم پذیری متقابل با وجود اشکالاتی که بر آن وارد است از سایر معیارها واقعی تر و قابل اعتمادتر است. منظور از قابلیت فهم متقابل برقراری ارتباط بین طرفین یک مکالمه بدون آموزش آگاهانه است، اما مشکل این است که این معیار نیز نسبی است و قابلیت فهم خود دارای درجاتی است. مدرسی (همان: ۱۳۴) برای حل این مشکل یک تعریف عملی تر ارائه می دهد بر اساس این تعریف «هرگاه دو گونه ی زبانی، بدون آموزش آگاهانه در حد ایجاد ارتباط معمول برای گویندگان یکدیگر قابل فهم باشند آن دو گوش متفاوت از یک زبان واحد محسوب می شوند و در غیر این صورت باید آنها را دو زبان جداگانه دانست.»

۳- مطالعات پیشین

«تاریخچه ی مطالعات نظام مند گویش ها به بیش از یک قرن می رسد.» (محبی بهمنی، ۱۳۸۴: ۲۱) فهرست کاملی از تحقیقات صورت گرفته بر روی گویش های ایرانی، در دو یادداشت تحت عناوین «فهرست مآخذ زبان ها و لهجه های ایرانی» اثر راس (۱۳۳۲) در دفتر اول از جلد اول فرهنگ ایران زمین و «کتاب شناسی زبان ها و لهجه های ایرانی» اثر افشار (۱۳۳۴) در دفتر اول از جلد سوم فرهنگ ایران زمین آمده است.

از پژوهش های انجام شده بر روی گویش ماهشهری می توان اشاره داشت به آلبوغیش (۱۳۸۴) که در پایان نامه ی کارشناسی ارشد خود واژگان دخیل در گویش های ماهشهر، اهواز و مسجد سلیمان را گردآوری و بررسی کرده است؛ همچنین عبادی (۱۳۸۸) در پایان نامه ی کارشناسی ارشد خود به بررسی عوامل انسجام بخش متنی در گویش ماهشهری بر پایه ی نظریه ی حاکمیت و مرجع گزینی پرداخته است. از دیگر آثار موجود در این زمینه کتاب ضرب المثل های گویش ماهشهری (۱۳۸۸) از قیصری قابل ذکر است.

۴- سیستم آوایی گویش ماهشهری

گویش ماهشهری دارای ۲۶ همخوان و ۹ واکه می باشد. همخوان های این گویش عبارتند از:

جدول شماره (۱)

نشانه ی آوایی	توصیف آوایی	معادل فارسی آوا
/p/ -۱	انسدادی، دولبی، بی واک	پ
/b/ -۲	انسدادی، دولبی، واک دار	ب
/t/ -۳	انسدادی، دندانی، بی واک	ت
/d/ -۴	انسدادی، دندانی، واک دار	د
/k/ -۵	انسدادی، نرمکامی، بی واک	ک
/g/ -۶	انسدادی، نرمکامی، واک دار	گ
/q/ -۷	انسدادی، ملازی، واک دار	ق
/ʔ/ -۸	انسدادی، چاکنایی، بی واک	همزه
/ç/ -۹	انسدادی-سایشی، لثوی-کامی، بی واک	چ
/j/ -۱۰	انسدادی-سایشی، لثوی-کامی، واک دار	ج
/f/ -۱۱	سایشی، لبی-دندانی، بی واک	ف
/v/ -۱۲	سایشی، لبی-دندانی، واک دار	و
/s/ -۱۳	سایشی، لثوی، بی واک	س
/z/ -۱۴	سایشی، لثوی، واک دار	ز

ش	سایشی، لثوی-کامی، بی واک	/ʃ/ - ۱۵
ژ	سایشی، لثوی-کامی، واک دار	/ʒ/ - ۱۶
خ	سایشی، ملازی، بی واک	/x/ - ۱۷
ه	سایشی، چاکنایی، بی واک	/h/ - ۱۸
م	خیشومی، دولبی، واک دار	/m/ - ۱۹
ن	خیشومی، دندانی، واک دار	/n/ - ۲۰
ل	کناری، لثوی، واک دار	/l/ - ۲۱
ر	لرزشی، لثوی، واک دار	/r/ - ۲۲
ی	ناسوده (نیمه مصوت)، کامی، واک دار	/y/ - ۲۳
«نگ» در «چنگ»	خیشومی، نرمکامی، واکدار	/ŋ/ - ۲۴
W انگلیسی	غلت (ناسوده)، دولبی، واکدار	/w/ - ۲۵
غ عربی	ملازی، سایشی، واکدار	/ɣ/ - ۲۶

این گویش همانند فارسی معیار دارای ۶ واکه ی ساده به شرح زیر است:

جدول شماره (۲)

نشانه ی آوایی	توصیف آوایی	معادل فارسی آوا
/i/ - ۱	بسته، پیشین، گسترده	ای
/e/ - ۲	نیمه بسته، پیشین، گسترده	اِ
/a/ - ۳	باز، پیشین، گسترده	آ
/ā/ - ۴	باز، پسین، گسترده	آ
/o/ - ۵	نیمه بسته، پسین، گرد	اُ
/u/ - ۶	بسته، پسین، گرد	او

این گویش همچنین دارای ۳ واکه ی مرکب به شرح زیر است:

جدول شماره (۳)

نشانه آوایی	معادل فارسی آوا	مثال	معنی
/ey/-۱	ای	/soleyt/	لخت
/uy/-۲	اوی	/vuy/	وای (اظهار تاسف)
/ow/-۳	اُو	/jowr/	جور

۵- عمده فرآیندهای آوایی (main phonetic processes) گویش ماهشهری

آن گونه که حق شناس (۱۳۷۱: ۱۴۷) مطرح می سازد «واحد‌های آوایی بر اثر همنشینی در ترکیب دستخوش تغییراتی می شوند. این نوع تغییرات را فرآیندهای آوایی گویند.»

۵-۱- حذف (deletion)

تحت تاثیر فرآیند آوایی حذف، همخوان یا واکه یا هجایی از زنجیره ی گفتار حذف می شود. نمونه های زیر فرآیند آوایی حذف همخوان را نشان می دهند.

الف) حذف همخوان /h/ از واژه های مختوم به /h/، در چنین مواقعی مصوت /ā/ نیز به /a/ تبدیل می شود.

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Ča /	/čāh/	چاه
/ra/	/ Rāh /	راه
/ka/	/ Kāh /	کاه

ب) حذف /v/ از انتهای واژه:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/g ā /	/ Gāv /	گاو

۵-۲- درج همخوان (addition)

گاهی تحت شرایطی یک آوا (یا یک واحد زنجیری) به زنجیره ی گفتار اضافه می شود، این فرآیند را درج یا افزایش می خوانیم. این فرآیند نیز، مانند فرآیند حذف، تابع قواعد نظام صوتی زبان است، به این تعبیر که هرگاه در ترکیب آواها با هم نوعی همنشینی بین واحد های زبانی به وجود آید که یا بر اساس طبیعت آوایی زبان ثقیل باشد و یا خلاف نظام صوتی زبان محسوب شود، برای رفع این اشکال یک واحد زنجیری به زنجیره ی گفتار اضافه می کنند. (حق شناس، ۱۳۷۱)

الف) درج /t/ در انتهای بعضی واژه ها که به /š/ ختم می شوند:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Bālešt/	/ Bāleš/	بالش
/ Xārešt/	/ Xāreš/	خارش
/ Ravešt/	/ Raveš/	روش
/ Sefārešt/	/ Sefāreš/	سفارش

۳-۵- همگونی (assimilation)

گاه یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگری برخی از ویژگی های آوایی خود را از دست می دهد و به جای آن مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می پذیرد. این فرآیند را که شاید یکی از همگانی های آوایی باشد همگونی گویند. چنانچه این فرآیند موجب شود که یکی از همخوان ها عیناً به صورت همخوان دیگر درآید، آن را همگونی کامل گویند، اما اگر همگونی موجب همانندی کامل دو همخوان نشود آن را همگونی ناقص می گویند (همان: ۱۵۲).

همگونی می تواند پیشرو یا پسرو باشد. در همگونی پیشرو از دو همخوان همنشین آن یکی که جایگاه نخستین را اشغال کرده است ثابت و بدون تغییر می ماند و همخوانی که در جایگاه دوّم قرار دارد دستخوش همگونی می شود، و در همگونی پسرو از دو همخوان همنشین آن یکی که در جایگاه دوّم است ثابت می ماند و همخوانی که در جایگاه نخستین است دستخوش همگونی قرار می گیرد.

نمونه ی زیر همگونی کامل را می نمایاند:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Majjed /	/ Masjed /	مسجد

نمونه ی زیر عملکرد فرآیند همگونی ناقص را نشان می دهد:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Mašx /	/ Mašq /	مشق

۴-۵- قلب (metathesis)

«گاهی دو همخوان در ترکیب بر اثر همنشینی جای خود را با هم عوض می کنند به طوری که همخوان نخستین جایگاه دوّمین را می گیرد و همخوان دوّمین به جای همخوان نخستین می نشیند. این فرآیند را قلب گویند» (حق شناس، ۱۳۷۱: ۱۵۶).

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Kerbit /	/ Kebrit /	کبریت
/ Qolf /	/ Qofl /	قفل
/ Qarb /	/ Qabr /	قبر
*/ Na:lat /	/ La:nat /	لعنت

* به نظر می رسد در مورد اخیر قلب هجا داده است.

5-5- ابدال (mutation)

گاهی در زنجیره ی گفتار یک واحد زنجیری به واحد زنجیری دیگری مبدل می شود بی آنکه بتوان برای آن در چارچوب فرآیند های آوایی دیگر به لحاظ همزمانی توجیهی یافت. این فرآیند *ابدال* نامیده می شود و تنها توجیهی که می توان برای این فرآیند ارائه کرد نارسایی زنجیره های آوایی تبدیل شونده است. (حق شناس، ۱۳۷۱ و افراشی، ۱۳۸۶)

5-5-1- ابدال همخوانی

الف) ابدال /k/ به /q/ در انتهای واژه :

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/čerq/	/čerk/	چرک
/meq/	/mek/	مکیدن

ب) ابدال /q/ به /k/

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/Korbunet /	/ Qorbānet /	قربانت

پ) ابدال /q/ به /x/

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/Xolin /	/ Qāli /	قالی
/ Morx /	/ Morq /	مرغ

ت) ابدال /x/ به /q/

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Qorus /	/ Xorus /	خروس

ث) در یک مورد /d/ به /z/ تبدیل می شود (میان دو واکه)

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Zezer /	/ Xeder /	خدر

ج) در یک مورد /š/ به /s/ تبدیل می شود:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
sur	šŪr	شور

چ) در یک مورد /x/ بعد از /l/ به /h/ تبدیل می شود و سپس قلب صورت می گیرد:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Tahl /	/ Talx /	تلخ

ح) ابدال /r/ به /l/:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Balg /	/ Barg /	برگ
/ Melam /	/ Marham /	مرهم
/ Silā /	/ Surāx /	سوراخ
/ Mordāl /	/ Mordār /	مردار

خ) در یک مورد /b/ به /m/ تبدیل می شود:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Kemutar /	/ Kabutar /	کبوتر

د) در یک مورد /z/ به /d/ تبدیل می شود:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Darf /	/ Zarf /	ظرف

۵-۲- ابدال واکه ای

الف) ابدال /u/ به /i/:

ماهشهری	فارسی معیار	معنی
/ Mi /	/ Mu /	مو
/ Pik /	/ Puk /	پوک
/ Pahlī /	/ Pahlū /	پهلوی
/ Kiče /	/ Kuče /	کوچه

سوزن	/ Suzan /	/ Sizan /
دور	/ Dur /	/ Dir /
روی (صورت)	/ru/	/ri/

ب) ابدال /a/ به /e/:

معنی	فارسی معیار	ماهشهری
سلام	/ Salām /	/ Selām /
پنیر	/ Panir /	/ Penir /
تنور	/ Tanur /	/ Tenir /
مریض	/ Mariz /	/ Meriz /
ملاقه	/ Malāqe /	/ Melqa /

پ) ابدال /e/ به /a/ (به ویژه در انتهای کلمات)

معنی	فارسی معیار	ماهشهری
مهره	/ Mohre /	/ Māra /

ت) ابدال /ā/ به /u/؛ این ابدال معمولاً در جوار همخوان های خیشومی رخ می دهد:

معنی	فارسی معیار	ماهشهری
زانو	/ Zānu /	/ Zuni /
حرام	/ Harām /	/ Harum /
چوپان	/čupān/	/ Čipun /
شام	/šām/	/ Šum /
نام	/ Nām /	/ Num /

ث) ابدال /ā/ به /o/:

معنی	فارسی معیار	ماهشهری
راضی	/ Rāzi /	/ Rozi /
حالی (کردن)	/ Hāli /	/ Holi /
باران	/ Bārān /	/ Borun /

۶- جمع بندی یافته ها و نتیجه گیری:

نتایج حاصل از بررسی داده ها حاکی از آن است که ابدال و حذف پایانی به ترتیب بالاترین و پایین ترین بسامد را در میان دیگر عمده فرآیندهای آوایی فعال در گویش ماهشهری دارا می باشند. نیز قابل ذکر است که ابدال مشاهده شده در این گویش بیشتر از نوع ابدال همخوانی است.

منابع :

- آلبوغیث، منیژه (۱۳۸۴)، «بررسی واژگان قرصی در گویشهای ماهشهری، اهوازی، و مسجدسلیمان»، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- افراشی، آزیتا (۱۳۸۶)؛ ساخت زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت.
- افشار، ایرج، (۱۳۳۴)؛ کتاب شناسی زبان ها و لهجه های ایرانی؛ فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد سوم.
- ثمره، یدالله، (۱۳۶۴)؛ آواشناسی زبان فارسی؛ چ ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جهانگیری، نادر، (۱۳۷۸)؛ زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه؛ تهران: انتشارات آگاه.
- حق شناس، علی محمد، (۱۳۷۱)؛ آواشناسی (فوننتیک)؛ چ ۳، تهران: انتشارات آگاه.
- راس، نیکلا، (۱۳۳۲)؛ فهرست مآخذ زبان ها و لهجه های ایرانی، فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد اول.
- عبادی، آزاده، (۱۳۸۸)؛ «گویش ماهشهری، بررسی اصول مرجع گزینی در آن بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع گزینی و بررسی عوامل انسجام بخش متنی در این گویش بر اساس چارچوب هیلیدی و حسن (۱۹۷۶)»، پایان نامه ی کارشناسی ارشد: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس.
- قیصری، عیسی (۱۳۸۸)، ضرب المثل های گویش ماهشهری: تهران.
- محبی بهمینی، حسن، (۱۳۸۴)؛ بررسی و توصیف زبان شناختی گویش مینابی؛ تهران: انتشارات سبزان.
- مدرسی، یحیی، (۱۳۶۸)؛ درآمدی بر جامعه شناسی زبان؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- Chambers, J.K. & Trudgill, P. (1994); *Dialectology*; Cambridge University Press.
- Crystal, D. (1992); *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*; Oxford: Basill and Blackwell.
- Fromkin, V. & Rodman, R. (1988); *An Introduction to Language*. Orlando: Holt, Rinehart and Winston, Inc.